

اندیشه نفیس

هیچ راه دیگری برای احیای خاور میانه نبود!



آیت‌الله‌العظمی جوادى آملی: وجود مبارک سیدالشهدا (سلام‌الله‌علیه) از همان اول قصد عمره مفرده داشت اما چطور این راه

را انتخاب کرد و قیام کرد و فرزندان خودش را برد؟ چون او می‌خواست خاورمیانه را بیدار کند؛ آن روز هیچ راه دیگری برای احیای خاورمیانه نبود! خاورمیانه آن روز مکه و مدینه و شام و عراق بود، این محدوده بود که خاورمیانه اسلامی بود.

وجود مبارک سیدالشهدا بخشی را شخصا تشریف بردند، بخشی را پیام دادند، بخشی را مذاکره کردند، بخشی را با سر رفتند، بخشی را با اسرا اداره کردند؛ یعنی مکه راه مدینه راه، فاصله مکه و مدینه راه، فاصله مکه و عراق راه، فاصله عراق و شام را این اهل بیت رفتند، پیام دادند سخنرانی کردند نامه دادند نامه گرفتند خاورمیانه را بیدار کردند. بدون برنامه و بدون تصمیم که نبود، لذا هر کس خواست برود فرمود بروید ولی بچه‌های من باشند! با اینکه یقین داشت اینها به اسارت می‌روند، فرمود اینها باید باشند شما خواستید بروید، بروید، بیعت را از شما برداشتم اما بچه‌های من باید باشند، اینها پیام دارند، اینها باید کوفه را اداره کنند، شام را اداره کنند، مسیر برگشت از شام تا مدینه را اداره کنند.

حضرت نامه‌ها نوشت، مصاحبه‌ها کرد، قدم‌به‌قدم انعام حجت کرد؛ در مکه آن سخنرانی رسمی را بیان کرد، با این‌زیر یک نحو مصاحبه کرد، با این عباس یک نحو مصاحبه کرد؛ مردم خوابیده بودند حضرت اینها را بیدار کرد، لذا به‌وجود مبارک امام‌سجاد (سلام‌الله‌علیه) عرض کردند در این صحنه چه‌کسی پیروز شد؟ فرمود ما پیروز شدیم، ما رفیق‌م نام مبارک پیغمبر و دین را زنده کنیم از اسارت دربیاباوسیم و درآوریم: «لَا أَرَدْتُ أَنْ تَعْلَمَ مِنْ غَلَبٍ وَ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ، فَأَدْنُ ثُمَّ أَقِمُ؛ این دین اسیر بود ما این را آزاد کردیم، این زنجیر را از گردن دین برداشتیم، دین باید آزاد باشد و ما این کار را کردیم، ما پیروز شدیم».

اصل بعدی آن است که وجود مبارک ک سالار شهیدان

(سلام‌الله‌علیه) فرمود: انسان، آزادی‌اش به‌معنای رهایی نیست، این آزادی از دشمن درون و بیرون است، لذا باید با عزت و جلال و شکوه همراه باشد. «فَهَبْتُ مَثَلًا لِلَّهِ» شعار رسمی آن حضرت بود؛ فرمود ما انسان را به کرامت اصلی‌اش برگردانیم، جامعه را کریم کردیم، آزاد کردیم، هر کس از ماست عزیز است؛ «فَهَبْتُ مَثَلًا لِلَّهِ».

منبع: درس اخلاق معظم‌له مورخ ۱۳۹۵/۷/۱۵

 	گفتمان اسلام	
	 	

تحول حضرت زینب قبل و بعد از عاشورا

استاد شهید مرتضی مطهری^(ه:)

حسین بن‌علی درس غیرت به‌مردم‌داد، درس تحمل و بردباری به مردم‌داد، درس تحمل شاید به‌سختی‌ها به مردم‌داد. اینها برای ملت مسلمان درس‌های بسیار بزرگی بود. پس اینکه می‌گویند حسین بن علی چه کرد و چگونه شد که دین اسلام زنده شد، جواش همین است که حسین بن علی روح تازه، دمید، خون‌ها را به جوش آورد، غیرت‌ها را تحریک کرد، عشق و ایده‌آل به‌مردم‌داد، جس استغنا در مردم به‌وجود آورد، درس صبر و تحمل و بردباری و مقاومت و ایستادگی در مقابل شایید به‌مردم‌داد، ترس را ریخت؛ همان مردمی که تا آن مقدار می‌ترسیدند، تبدیل به یک‌عده‌مردم شجاع و دلاور شدند.

... در حماسه‌حسینی آن کسی که بیش از همه این درس را آموخت و بیش از همه این پرترهٔ حسینی بر روح مقدس او، تأیید، خواهر بزرگوارش زینب (سلام‌الله‌علیها) بود. راستی که موضوع عجیبی است: زینب با آن عظمتی که از اول داشته‌است- و آن عظمت را در دامن زهرا علیها‌السلام و از تربیت‌علی علیه‌السلام به‌شدت آورده بود- در عین حال زینب بعد از کربلا با زینب قبل از کربلا متفاوت است، یعنی زینب بعد از کربلا یک شخصیت و عظمت بیشتری دارد.

ما می‌بینیم در شب عاشورا زینب یکی دو نوبت حتی نمی‌تواند جلوی گریه‌اش را بگیرد. کربار آن‌قدر گریه می‌کند که روی دامن حسین بیپوش می‌شود و حسین علیه‌السلام باصحب‌های خودش زینب را آرام می‌کند: «لَا يَهْبِئُ حَلْمُكَ الشَّيْطَانُ» خواهر عزیزم! مبدا وساوس شیطانی بر تو مسلط نشود و حلم را از تو بریاید، صبر و تحمل را از تو بریاید. وقتی حسین به‌زینب می‌فرماید که چرا اینطور می‌کنی، مگر تو شاهد و ناظر وفات جدم نبودی؟ جد من از من بهتر بود، پدر ما از ما بهتر بود، برادر همینطور، مادر همینطور، زینب با حسین این چنین صحبت می‌کند: «بچه‌ها! چرا همهٔ آنها اگر رفتند بازها را چون من پناهگاهی غیراز تو داشتیم، ولی با رفتن تو برای من پناهگاهی باقی نمی‌ماند.

اما همین که ایام عاشورا سپری می‌شود و زینب، حسین علیه‌السلام را با آن روحیه‌قوی و نیرومند و با آن دستورالعمل‌ها می‌بیند، زینب دیگری می‌شود که دیگر احمدی در مقابل او کوچک‌ترین شخصیتی ندارد. امام زین‌العابدین فرمود: ما ۱۲ نفر بودیم و تمام ما ۱۲ نفر را به یک زنجیر بسته بودند که یک سر زنجیر به بازوی من و سر دیگر آن به بازوی عمام زینب بسته بود. می‌گویند تاریخ ورود اسر را به ششام دوم‌ماه صفر بوده‌است. بنابراین ۲۲ روز از اسارت زینب گذشته‌است؛ ۲۲ روز رنج متوالی کشیده‌است که با این حال او را وارد مجلس نرید بن معاویه می‌کنند، بیزدی که کاخ اخضر او (یعنی کاخ سبزی که معاویه در شام ساخته بود) آنچنان بار آگاهه مجلی بود که هرکس با دیدن آن بار گاه و آن خدم و حشم و طنطنه و دبدبه، خودش را می‌باخت. بعضی نوشته‌اند که افراد می‌بایست از ۷تالار می‌گذشتند تا به آن تالار آخری می‌رسیدند که یزد روی تخت مزین و مرضی نشسته بود و تمام اعیان و اشراف و اعظم سفرای کشور‌های خارجی نیز روی کرسی‌های طلا یا نقره نشسته بودند. در چنین شرایطی این اسرا را وارد می‌کنند و همین زینب اسیر و زنجیده‌ور و زنج‌کشیده، در همان محضر چنان موحی در روحنش پیدا شد و چنان موحی در جمعیت ایجاد کرد که یزد به‌معروف به فضاحت و بلاغت از لال کرد.

منبع: مجموعه آثار شهیدمطهری، ۷ج۱ (حماسه حسینی)
تخلیص صفحه ۶۱۵تا۶۱۶



غلبه وجه عاطفی عاشورا

بررسی وجوه عاطفی عاشورا و علت پرتنگ‌بودن آن در روایات

اندیشه اجتماعی	حسین مهدپزاده	خوب استست حرف آخر را همین اول بگویم. ادعای این نوشته این است که توسعه هنر‌هایی مثل شعر، موسیقی و ادبیات روایی از جمله مقتل خوانی، تغزیه و پرده خوانی، حتی خطابه و عطفی بر محور عاشورا، به‌علت نوع و اهنمایی و هدایت خاصی است که آثمه پس از عاشورا انجام داده‌اند. درست است که این ابزار‌ها در ملت‌ها و جوامع مختلف، بسته به طبع و سنت‌ها و آداب اجتماعی کمی تا قسمتی از هم متفاوت توسعه پیدا کرده‌است اما در مجموع در همه این ملت‌ها، وجه عاطفی عاشورا بیان بر وجوه دیگر‌شان غلبه دارد. یا حتی اگر مسئولیت‌های اجتماعی و جهادی هم می‌پذیرند، علت آن انگیزه‌ای‌است که از عاشورا دریافت می‌کنند. وقتی به روایات کتابی مانند «کامل‌الزیارات» که سعی می‌کند نحوه‌ا ارتباط و زیارت اهل‌بیت(ع) را برای مؤمنان و شیعیان صورت‌بندی کند رجوع می‌کنیم، بخش مفصلی از ثواب‌هایی است که برای آن تباط با عاشورا بر شمرده‌است؛ از تباطاتی که از طر یق هنر و ابزار‌های عاطفی و با قوای زیبایی‌شناسی‌مان با عاشورا برقرار می‌کنیم، نه قوای سنجشی غالب این روایات، در واقع شمارا به نوعی تلافی احساسی و عاطفی با عاشورا هدایت می‌کند.
-----------------------	----------------------	---

تقدم‌ادراکات قلبی بر ادراکات عقلی و سنجشی ما در تجربه تمدن اسلامی، نسبت به ابزار‌های هنری و زیبایی‌شناختی و کارکرد آنها در تذهیب و تکامل اجتماعی کم کار کردیم و ارزش و اثرگذاری ابزار‌های سنجشی را بیشتر از ابزار‌های هنری می‌دانیم. از لحاظ معرفت‌شناسی هم اثر عقل را در تحریک و انبعاث و کندن انسان به‌سوی انجام کار‌ها، بالاتر از قلب می‌دانیم. به همین دلیل دانشمندان ما، همیشه در توجیه روایاتی که جامعه را به توجه عاطفی به عاشورا دعوت می‌کنند و برای عزاداری و گریه برای امام‌حسین(ع) ثواب‌های نجومی معرفی می‌کنند، دچار مشکل می‌شوند. برخی متکلمین و کسانی که دانش اعتبارسنجی حدیث دارند، این دست روایات را کنار می‌گذارند؛ چرا که در این روایات بیشتر دعوت روحی و احساسی انسان‌ها به عاشورا توجه شده و از نظر آنها این خطا است. بعضی از ایشان با اعتبارسنجی مضمونی این روایات، حتی داشتن سند صحیح را هم برای قبول این روایات کافی ندانسته‌اند. مثلاً در آثار بعضی از متکلمین رجالی دیدم که روایت «یان‌بن شبيب» از حضرت امام (رضاع) در آغاز ماه محرم را به‌خاطر ثواب‌های نجومی که صرف‌فراى داشتن احساس به

علت این است که نگاه حکمی ما کارکرد اجتماعی فهمیدن و ادراک سنجشی، ذهنی و عقلی را بیشتر از ادراکات قلبی می‌داند. انگار معتقدیم که ادراکات قلبی، پیش از اینکه به لباس مفهوم و کلیات عقلی دربیایند، قدرت تحریک و انبعاث فردی و اجتماعی کافی ندارند. اما به گمان من، اگر روایات حول عاشورا را به همین شکل قبول کنیم و بخواییم درک خودمان را اصلاح کنیم به روایات را باید قبول کنیم که احتمالاً معصومین روی اثرات روحی و بعد هم اجتماعی ادراکات قلبی، آنگاه که هنوز لباس آگاهی عقلی، سنجشی و مفهومی نبوشیده‌اند، بیشتر حساب باز کرده‌اند! شاید این روایات قبول کرده‌اند که ادراکاتی که هنوز از جنس حب و بغض‌های مبهم هستند ارزش اجتماعی مهمی دارند و روی فعال کردن آنها بر نامه‌ریزی کرده‌اند! گویی ممکن است برای اصلاح سرشت انسان‌ها و جوامع، این ادراکات مقدم بر تلاش‌های سنجشی ما باشند. در این صورت برای اصلاح جامعه، احساسات قلبی بر آمده‌از هنر، مقدم بر محاسبات سیاسی و اجتماعی می‌شوند و بعداً و در مراحل بعدتر است که به شعور و تعقل تبدیل می‌شوند و تکامل می‌یابند و ناقدتر می‌شوند.

سازمان اجتماعی حول عاشورا؛ دستگاه تذهیب فردی و اجتماعی
دستگاه عزاداری اهل‌بیت(ع)، سازمان اجتماعی حول عاشورا را از یک دستگاه صرفاً سیاسی و در کنترل کنشگران سیاسی، به یک دستگاه تذهیب فردی و اجتماعی و حتی تاریخی برای شیعه بدل کرد. عباراتی مثل «ناقتیل العبرات» و امثال اینها نشان می‌داد عاشورا می‌خواهد خود را تبدیل به ادراکی از جنس ادراک‌های قلبی کند و فارغ از اینکه عزاء و زیارت حضرت امام‌حسین(ع) و آئمه، انقدر رادر عمق جان تکت‌اکت افراد بگذارد. این برمی‌گردد به‌خصوصیات خاص خود عاشورا. اینطور نیست که



غلبه وجه عاطفی عاشورا

بررسی وجوه عاطفی عاشورا و علت پرتنگ‌بودن آن در روایات

کتاب اندیشه	کتاب آفتاب در مصاف	کتاب «آفتاب در مصاف» مجموعه‌ای از بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی خا‌نه‌ای (مدظله‌العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره قیام عاشورا، امام حسین(ع) و تحلیل وقایع پیش و پس از عاشورا سال ۶۱ هجری قمری است. این مجموعه تمام مطالب مرتبط را از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۹۰ در خود جای داده است. این کتاب در قالب یک کتاب مرجع به‌گونه‌ای سامان یافته که بتواند مبنای پژوهش محققان این حوزه قرار گیرد تا با مراجعه به آن، بتوانند با توجه به دیدگاه‌های رهبری در این موضوع، تحقیقات خود را گسترش دهند. این کتاب دارای بخش کلیات امام حسین(ع)، عاشورا، یاران عاشورا، دشمنان عاشورا و زیارت و ادعیه است. نشانی‌هایی که در باورقی آمده، مستندات قرآنی، روایی و تاریخی است. به بخشی از مستندات تاریخی که جنبه تحلیلی دارد، پرداخته نشده‌است. شیوه انتخاب منابع در باورقی‌ها نیز بدین صورت بوده که در موضوعات تاریخی، به‌عنوان کتاب مرجع در دسترس، به‌ترتیب تقدم قرنی و زمانی این منابع ذکر شده‌و در موضوعات روایی، به کتاب‌های معتبر روایی استناد داده شده‌است. ابتدای کتاب، فهرست عناوین به همراه فهرست اجمالی که‌ارجاع به فهرست تفصیلی است، به‌منظور توجه دادن مخاطب به ساختار موضوعی اثر درج و فهرست تفصیلی و سایر فهرست‌ها، در انتهای کتاب آورده شده‌اند. این کتاب اثری از مؤسسه فرهنگی لوح و قلم است که در انتشارات انقلاب اسلامی به چاپ رسیده‌است.
--------------------	---------------------------	---

به‌نظر می‌رسد کاری که اهل‌بیت(ع) ما را به سمت آن هدایت کردند این‌است که با‌شدت و حجم بسیار بالا آن ادراک ماقبل زبانی و فلسفی و سنجشی را در جامعه تولید کنیم تا زمینه تعقل در جهت حق ممکن شود. ابزار تولید این ادار کات هم «هنر» است. چنانچه طرف مقابل هم از همین حربه استفاده می‌کند با لهو و غفلت و شهوات، هنری تولید می‌کند که مأموریتش کامجویی مدای از دنیا و دلزدگی از رؤیای آخرت است!

حالا یکبار دیگر روایات را نگاه کنید. کامل‌الزیارات را ببینید. شاید اینگونه بتوانیم بفهمیم که چرا امام معصوم(ع) گفته‌است که در راه عاشورا اگر کسی گریه کند، اگر گریه‌باند، اگر شعر بگوید و...، چنین ثواب‌هایی خواهد برد.

زندگی صحنه پیکارها	بررسی کلیاتی از آرای مرحوم «علی صفایی حائری» درباره عاشورا	معرفی اندیشه‌ها	محمدابراهیم یزدانی	عاشورا و حوادث حول آن، اقیانوسی را پدید آورده که ماهر تخصص و گرايشی با آن مواجه شوی، مات و مبهوت می‌مانی. دگرگونی‌ها و اتفاقات در جریان عاشورا آنقدر گسترده‌است که می‌توان دانشگاه‌های متعددی برای عاشورا پژوهشی داشته باشیم. علی صفایی حائری (۱۳۳۰- ۱۳۷۸ش) معروف به عین‌صاد، روحانی، نویسنده و اندیشمند شیعی است که بر نگارش نظام‌مند به آموزه‌های دینی تأکید داشت. صفایی نظام تربیتی را بر دیگر نظام‌های دینی مقدم می‌دانست و معتقد بود پیامبر با اعمال روش تربیت اسلامی، فلسفه، عرفان، اخلاق و فقه اسلامی را در فکر و احساس و رفتار مؤمنان پرورش داده‌است. وی با نگاهی نو به واقعه عاشورا از منظر انگیزه‌ها و اهداف، به تحلیل این قیام پرداخته‌است. عین‌صاد سر آغاز روایت خود در عاشورا پژوهی را تعبیر زندگی به صحنه‌ای از پیکار‌فرا قرار می‌دهد. او قائل به این هست که انسان وقتی در میدان زندگی استعدادهایش بیرون می‌رزد که در میدان مبارزه باشد. او پیکار و مبارزه‌ای را ارزشمند می‌داند که با هدفی بزرگ شروع شود؛ با انگیزه‌ای پاک همراه گردد و به‌بهترین‌شکل رهبری گردد. بر همین اساس او مدل بررسی قیام عاشورا از منظر شکل، هدف، انگیزه و رهبری را مورد بررسی و مذاق‌ه قرار می‌دهد. عین‌صاد عاشورا را یک داستان می‌داند که وسعت آن به پهنای تاریخ است و یک بُعد و جهت ندارد. وی در جایی از کتاب عاشورا می‌گوید: «حسین آمد تا کشته شود، تا شفعه ما باشد تا بروی ما باشد. حسین آمد تا با خون خود، نهال دین را آبیاری کند. شهادت او به نفع اسلام بود.» آنچه
---------------------------	---	------------------------	---------------------------	--

اصلاح نمی‌شود، علش این هست که اضطراب به‌وحی، رسول و حجت خدا را باور نداریم.

عین‌صاد علاوه بر اینکه در غایت و هدف از کربلا و عاشورا می‌گوید،

قصه خود در مسئله قیام حسین بن علی(ع) را اینگونه دنبال می‌کند

که او قیام کرد تا عاشورا آینه تمام‌نمای خیر و شر شود. عاشورا ابتدای

شناخت هر شری در عالم و مرز تمایز بخشیدن بین خوبی و بدی شد.

عاشورا شقی‌ترین آدمیان را در مقابل پاک‌ترین و زلال‌ترین مردمان

خلقت در ایمان و اخلاقی قرار داد تا بینه تمام‌نمای خلقت شود. عاشورا

نقطه عطفی است که عقل و خیر با تمام‌قوا و در تمام‌زوا یا نمود پیدا کرد

و چهل و شر نیز با تمام قوا و در تمامی زوا یا خودنمایی کرد.دند. اینگونه

شد که علی صفایی حائری در تعبیر خود از این قیام الهی می‌گوید،

عاشورا آینه تمام‌نمای خلقت است.

آندیشه مسطور

عاشورا، منظومه منطق و حماسه و عاطفه

رهبر معظم انقلاب (حفظه الله): اعنصر در حرکت حضرت اباعبدالله(ع) وجود دارد: عنصر منطق و عقل، عنصر حماسه و عزت و عنصر عاطفه. عنصر منطق و عقل در این حرکت، در بیانات آن بزرگوار متجلی است؛ قبل از شروع این حرکت، از هنگام حضور در مدینه تا روز شهادت، جمله‌جمله این بیانات نورانی، بیان‌کننده یک منطق مستحکم است. خلاصه این منطق هم این است که وقتی شرایط وجود داشت و متناسب بود، وظیفه مسلمان «اقدام» است. عنصر دوم حماسه است؛ یعنی این مجاهدتی که باید انجام بگیرد، باید با عزت اسلامی انجام بگیرد؛ اگر به مبارزات سیاسی، نظامی ناگونگان تاریخ معاصر خودمان نگاه کنید، حتی آنهایی که تفنگ گرفته‌اند و به جنگ رویاروی جسمی اقدام کرده‌اند، می‌بینید که گاهی اوقات خودشان را دلیل کردند اما در منطق عاشورا، این مسئله وجود ندارد. عنصر سوم عاطفه است. هم در خود حادثه و هم در ادامه و استمرار حادثه، عاطفه یک نقش تعیین‌کننده‌ای ایجاد کرده‌است که باعث شد مرز بین جریان عاشورایی و جریان شیعی با جریان‌های دیگر پیدا شود. حادثه عاشورا، خشک و صرفاً استدلالی نیست، بلکه در آن عاطفه با عشق و محبت و ترجم و گریه همراه است. قدرت عاطفه، قدرت عظیمی است؛ لذا ما را امری می‌کنند به گریستن، گریاندن و حادثه را تشریح کردن. زینب کبری در کوفه و شام منطقی حرف می‌زند، اما مرثیه می‌خواند؛ امام سجاده روی منبر شام، با آن عزت و صلابت و فرقی حکومت‌اموی می‌گوید اما مرثیه می‌خواند. این مرثیه‌خوانی تا امروز ادامه دارد و باید تاابد ادامه داشته باشد، تا عواطف متوجه بشود. در فضای عاطفی و در فضای عشق و محبت است که می‌توان خیلی از حقایق را فهمید که در خارج از این فضاهایی‌توان فهمید. این سه عنصر، ۳عنصر اصلی تشکیل‌دهنده حرکت عاشورایی حسین بن علی(ع) است که یک کتاب حرف‌است.

* برگرفته از کتاب آفتاب در مصاف

(بیانات رهبر معظم انقلاب درباره علل و ابعاد حادثه عاشورا)

کتاب اندیشه	کتاب آفتاب در مصاف	کتاب «آفتاب در مصاف» مجموعه‌ای از بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی خا‌نه‌ای (مدظله‌العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره قیام عاشورا، امام حسین(ع) و تحلیل وقایع پیش و پس از عاشورا سال ۶۱ هجری قمری است. این مجموعه تمام مطالب مرتبط را از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۹۰ در خود جای داده است. این کتاب در قالب یک کتاب مرجع به‌گونه‌ای سامان یافته که بتواند مبنای پژوهش محققان این حوزه قرار گیرد تا با مراجعه به آن، بتوانند با توجه به دیدگاه‌های رهبری در این موضوع، تحقیقات خود را گسترش دهند. این کتاب دارای بخش کلیات امام حسین(ع)، عاشورا، یاران عاشورا، دشمنان عاشورا و زیارت و ادعیه است. نشانی‌هایی که در باورقی آمده، مستندات قرآنی، روایی و تاریخی است. به بخشی از مستندات تاریخی که جنبه تحلیلی دارد، پرداخته نشده‌است. شیوه انتخاب منابع در باورقی‌ها نیز بدین صورت بوده که در موضوعات تاریخی، به‌عنوان کتاب مرجع در دسترس، به‌ترتیب تقدم قرنی و زمانی این منابع ذکر شده‌و در موضوعات روایی، به کتاب‌های معتبر روایی استناد داده شده‌است. ابتدای کتاب، فهرست عناوین به همراه فهرست اجمالی که‌ارجاع به فهرست تفصیلی است، به‌منظور توجه دادن مخاطب به ساختار موضوعی اثر درج و فهرست تفصیلی و سایر فهرست‌ها، در انتهای کتاب آورده شده‌اند. این کتاب اثری از مؤسسه فرهنگی لوح و قلم است که در انتشارات انقلاب اسلامی به چاپ رسیده‌است.
--------------------	---------------------------	---

نخستین مقاتل درباره عاشورا	محمدرضا سنگری که بخش مهمی از فعالیت علمی و پژوهشی خود را به حیطه تاریخ عاشورا اختصاص داده است، درباب نخستین مقاتل می‌نویسد: از مقتل‌های نگاشته شده در قرون اول و دوم تقریباً هیچ کدام به‌دست ما نرسیده‌است. شیخ اقبالزگر تهرانی نخستین مقتل را مقتل اصیغ بن‌ناته از اصحاب امیرالمومنین علی(ع) می‌داند. چندین مقتل نیز نام برده شده است که یونوسدگان بزرگی چون ابن‌نديم، سیدبن طلوس، یاقوت حموی، نجاشی، طبری، ابن شهر آشوب و یعقوبی از آنها استفاده کرده‌اند. از آن جمله‌اند: مقتل الحسین ابوعبیده معمر بن مثنی، مقتل الحسین محمدبن عمر واقدی، مقتل الحسین ابوعبید قاسم بن سلام هروی، مقتل الحسین نمر بن مزاحم مغربی، مقتل الحسین ابوالحسن علی بن محمد مدائنی، مقتل الحسین ابوعبدالله محمدبن زکریا الغلابی، مقتل الحسین عبدالله بن محمد مشهور به ابن ابی‌الدنیا، مقتل الحسین ابوالقاسم عبدالله بن محمد بن شاهنشاه نبوی بغدادی، اما بارزترین و شاخص‌ترین گزارشگر کربلا در فاصله‌ای کوتاه پس از کربلا که اثر او بسیاری از وقایع و ظرایف کربلا را حفظ کرده، ابومخنف طوسین یحیی است که مقتل الحسین بالذری در آنساب الاشراف از کتاب وی بهره‌بردارده‌اند. درینا که این کتاب به ما مان رسیده‌است اما بخشی از روایات قدیم‌ترین تاریخ که به واقعه عاشورا اشاره کرده‌اند بر گرفته از اوست. در تاریخ طبری ۱۲۶ روایت درباره قیام امام حسین(ع) است که یک‌صد روایت آن به‌طور مستقیم از مقتل ابومخنف برگرفته شده و تعداد ۱۰ روایت نیز روایاتی است که طبری آنها را با واسطه هشام بن محمد کلبی از ابومخنف نقل کرده‌است. مقتل ابی مخنف تقریباً مستندترین و نزدیک‌ترین مقتل به اصل واقعه کربلاست.
-----------------------------------	--

منبع: برگرفته از کتاب «آینه در کربلاست»